

فرهنگ دانشگاهی  
در دانشگاه ایرانی





# فرهنگ دانشگاهی در دانشگاه ایرانی

فیروزه اصغری

عضو هیأت علمی مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی



لوگوس

سرشناسه: اصغری، فیروزه، ۱۳۴۳ -  
عنوان و نام پدیدآور: فرهنگ دانشگاهی در دانشگاه ایرانی/ فیروزه اصغری.  
مشخصات نشر: تهران، لوگوس، ۱۴۰۲  
مشخصات ظاهری: ۴۱۰ ص:، جدول.  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۶۱۳-۹۷-۸  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا  
یادداشت: کتابنامه  
موضوع:  
انسان‌شناسی تربیتی - ایران؛  
فرهنگ؛  
دانشگاه‌ها و مدارس عالی - ایران  
رده‌بندی کنگره: LB۴۵  
رده‌بندی دیویی: ۳۰۶/۴۳۰۹۵۵  
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۹۲۰۳۴۶  
اطلاعات رکورد کتاب‌شناسی: فیبا

## فرهنگ دانشگاهی در دانشگاه ایرانی

فیروزه اصغری - عضو هیأت علمی مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی

طراح جلد: سید مهدی حسینی

ویراستار: مقدم مهدوی

شمارگان:

۳۰۰

شابک:

۹۷۸-۶۲۲-۵۶۱۳-۹۷-۱۰-۲

چاپ اول:

۱۴۰۲



برای اطلاعات بیشتر کد فوق را اسکن کنید و به وبسایت نشر لوگوس بروید.

قیمت: ۳۲۰۰۰۰ تومان

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً یا جزئاً، به هر شکل اعم از چاپ، فتوکپی، اسکن، صوت، تصویر یا انتشار الکترونیک بدون اجازه مکتوب از نشر لوگوس ممنوع است.

ایمیل: [info@irlogos.com](mailto:info@irlogos.com)

تماس با مرکز پخش: ۰۹۰۲ ۱۵۴ ۰۰۴۲

فروشگاه برخط لوگوس: [www.irlogos.com](http://www.irlogos.com)

## فهرست مطالب

۱.....	سخن مؤلف.....
۵.....	فصل اول: فرهنگ دگرگون شده دانشگاه ایرانی.....
۵.....	انتظار از دانشگاه.....
۹.....	انتظار از فرهنگ دانشگاه.....
۱۱.....	فرهنگ دگرگون شده دانشگاه.....
۱۵.....	فرهنگ دانشگاهی در مطالعات ایرانی.....
۳۲.....	فرهنگ دانشگاهی در مطالعات خارجی.....
۴۶.....	چالش مطالعات فرهنگ دانشگاهی.....
۵۹.....	فصل دوم: مبانی فرهنگ دانشگاهی.....
۵۹.....	فرهنگ.....
۶۵.....	ارتباط فرهنگ و سازمان.....
۶۷.....	فرهنگ سازمانی.....
۹۰.....	فرهنگ دانشگاه.....
۱۰۲.....	فرهنگ دانشگاهی.....
۱۱۱.....	فصل سوم: گونه‌ها و مولفه‌های فرهنگ دانشگاهی.....
۱۱۱.....	فرهنگ دانشگاه به مثابه سازمان.....
۱۱۸.....	فرهنگ دانشگاه به مثابه اجتماع علمی.....
۱۱۹.....	فرهنگ دانشگاه به مثابه فرهنگ.....
۱۲۱.....	مؤلفه‌های فرهنگ دانشگاهی.....
۱۳۷.....	نتیجه‌گیری.....
۱۴۳.....	فصل چهارم: عوامل تأثیرگذار بر فرهنگ دانشگاهی.....
۱۴۳.....	عوامل سازمانی.....
۱۶۹.....	عوامل اقتصادی.....
۱۷۷.....	شرایط تاریخی.....
۱۸۷.....	شرایط اجتماعی.....
۱۹۰.....	شرایط سیاسی.....

۱۹۸	شرایط فرهنگی.....
۲۱۵	شرایط فردی.....
۲۲۰	شرایط جهانی.....
۲۲۶	نتیجه‌گیری.....
۲۲۹	<b>فصل پنجم: کنش‌های دانشگاهی و پیامدها.....</b>
۲۲۹	کنش‌های فردی.....
۲۴۷	کنش‌های سازمانی.....
۲۵۰	پیامدها.....
۲۶۲	نتیجه‌گیری.....
۲۶۵	<b>فصل ششم: فرهنگ دانشگاه ایرانی.....</b>
۲۶۵	فرهنگ دانشگاهی دانشگاه.....
۲۷۰	تصویری دوگانه از فرهنگ دانشگاهی.....
۲۷۳	فرهنگ تأییدپذیر.....
۲۸۳	کنش تأثیرگذار.....
۲۸۸	پیامدهای اجتناب‌ناپذیر.....
۲۹۰	فرهنگ دانشگاهی در بستر دانشگاه ایرانی.....
۲۹۹	ردپای فرهنگ دانشگاهی.....
۳۰۱	<b>منابع.....</b>

## سخن مؤلف

دانشگاه زمانی دانشگاه خواهد بود که ردپایی در زندگی ما بگذارد؛ ردپای دانشگاه یعنی وجود انسان‌هایی بهتر برای داشتن جهانی بهتر. مواجه شدن با دانشگاهی خردورز، حقیقت‌جو، پرسشگر، نوآور و مسئولیت‌پذیر که صداقت و راستی و پرهیز از فریب، تقلب و ناراستی وجه اشتراک کنش‌های دانشگاهی آن را تشکیل می‌دهد، همان وجهی از هویت آکادمیک دانشگاه است که متأثر از فرهنگ حاکم بر دانشگاه ایجاد و به ارائه تصویری متفاوت و منحصر به فرد از دانشگاه به عنوان یک اجتماع علمی منجر می‌گردد. بسیاری از صاحب‌نظران حوزه دانشگاه، هنجارهای نهاد علم و تعهد به درونی‌سازی آنها را بخشی از معرفت علمی دانشگاه تلقی می‌کنند و از دانشگاه انتظار دارند ضمن فراهم کردن فضایی برای تربیت افرادی عالم و اندیشمند در جهت تربیت افرادی فرهیخته و شایسته تلاش نماید. کتاب حاضر از این منظر دانشگاه را مورد مطالعه قرار داده است.

کتاب دارای دو بخش اصلی است: یک بخش به ادبیات نسبتاً جامعی از فرهنگ دانشگاهی به منظور تکمیل ادبیات این حوزه تعلق دارد. این بخش در تلاش برای ابهام‌زدایی از مفهوم فرهنگ دانشگاهی، ضمن تقویت ادبیات این حوزه، به مخاطبان برای درک بهتر یافته‌ها و نتایج پژوهش کمک می‌کند. بخش دوم کتاب به ارائه تصویری آشکار از دانشگاه از منظر فرهنگ بر اساس تجربیات خود دانشگاهیان اختصاص دارد.

این تصویر به خوانندگان دانشگاهی کتاب کمک می‌کند تا ضمن توجه به ابعاد متفاوت و تأثیرگذار در فرهنگ دانشگاه، نقش خود را در آیین‌ها ارائه شده توسط خود دانشگاهیان تماشا کنند و به اهمیت کنش خود در دانشگاه چه در مقام استاد در کلاس درس، چه به عنوان راهنما و مشاور و چه به عنوان مدیر دانشگاهی پی ببرند. کتاب خصوصاً در فصل‌های نهایی این واقعیت را به دانشگاهیان یادآوری می‌کند که نقش و کنش آنان در دانشگاه مانند سنگ‌ریزه‌ای بر آب، آن‌چنان گسترده است که نه تنها بر فرهنگ دانشگاه تأثیرگذار است بلکه پیامدهای آن ضمن گذر از دانشگاه، جامعه را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. این همان دغدغه‌ای است که از ابتدای کتاب بر اساس انتظار از دانشگاه و فرهنگ دانشگاهی همراه مؤلف بوده است.

باید بر این نکته تأکید نمایم که بدون شک تصویری از دانشگاه ایرانی که در بخش‌هایی از کتاب بر اساس تجربه زیسته دانشگاهیان ارائه شده است، بر اساس انتظارات عالی از دانشگاه، افتخارآمیز نیست، اما به معنای سیاه‌نمایی و ناامیدی هم نیست. بلکه صرفاً آشکارتر شدن مسئله‌ای است که در حال حاضر دانشگاه ایرانی با آن مواجه و دغدغه‌ای است که دانشگاه پژوهان را به مطالعه درباره دانشگاه ترغیب کند. دغدغه‌ای که بخشی از آن همه‌گیر و جهانی است. «ما در دوران تاریکی زندگی می‌کنیم، در عصر پساانسان یا حتی غیرانسانی، عصر قدرت‌های افسارگسیخته، استبداد، سلطه و دست‌کاری و تقلب» این دغدغه‌ای است که بارنت مطرح می‌کند. او حتی زمانی که درباره دانشگاه در چنین وضعیتی حرف می‌زند، پا را فراتر می‌نهد و تردید افراد شاغل در دانشگاه را در استفاده از اصطلاح «آکادمیک» برای معرفی شغلشان، دلیلی برای کاهش قدرت دانشگاه و ضعیف شدن وجه هویتی آن عنوان می‌کند، اما با این حال، او بر این باور است که ممکن است در چنین جهانی، جامعه دانشگاهی بیش از هر زمان دیگری برای بهبود وضع موجود لازم باشد. این همان باری است که مؤلف، علی‌رغم تمام فراز و نشیب‌های مطرح شده در کتاب، آن را بر دوش دانشگاهیان انداخته است. این ایده اصلی مؤلف در تمام مطالعاتی است که در حوزه دانشگاه انجام داده و در این کتاب به شکل پررنگ‌تری آن را مطرح کرده است: نجات دانشگاه توسط خود دانشگاهیان با حداقل توانایی‌ها و امکانات موجود، هر چقدر نسبی و اندک، می‌تواند راهی امیدبخش



برای کمک به دانشگاه از سوی خود دانشگاه باشد.

درعین حال، در سراسر کتاب نگرانی و دغدغه‌ام را از سخت و دشوار بودن چنین ایده‌ای مورد تأکید قرار داده‌ام زیرا متأثر از آنچه که در نتایج پژوهش، خصوصاً در بخش پیامدها، به طور عمیق به آن پرداخته‌ام، هیچگاه ضمانتی نه از سوی سازمان دانشگاه و نه حتی از سوی اجتماع علمی برای حمایت از دانشگاهیان زبان دیده‌ای که همچنان در مسیر پایبندی به هنجارهای علم و الزامات فضای آکادمیک قدم بر می‌دارند، وجود ندارد. این همان چالشی است که به بازتولید و تداوم وضعیت موجود می‌انجامد و درعین حال از شانس شکل‌گیری و تقویت فرهنگ آکادمیک در دانشگاه می‌کاهد. از این رو به نظر می‌رسد همچنان دانشگاهیان در توافقی نانوشته و در کنشی جمعی و درعین حال عالمانه و خردمندانه (حداقل از سوی عالمان و صاحبان واقعی دانشگاه) برای بهبود وضعیت موجود و حمایت از کنش‌های آکادمیک در دانشگاه، ناگزیر از عزمی جزم با تأکید بر مسئولیت فردی هستند. بدون شک هر گونه حرکت و کنش خردمندانه‌ای، همان گونه که تاکنون بوده و هست، پیامدهایی نیز به دنبال خواهد داشت که در مواردی سخت و ناگوار خواهد بود، اما درعین حال امید به تقویت ایده دانشگاه برای تربیت انسان‌هایی بهتر برای داشتن جامعه‌ای بهتر همواره و همچنان پایدار خواهد ماند.

باشد تا مطالعاتی این گونه در باره دانشگاه، برگرفته از امید ما به دانشگاه برای ایفای نقشی تأثیرگذار در داشتن جامعه‌ای بهتر، همواره مستمر و ادامه‌دار باشد.

فیروزه اصغری

عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

asghari@iscs.ac.ir